

سریال به وقت بغداد ۰۱:۲۰ تکرار به وقت آب سرد ۱۴:۳۰ کارگردان: محمدجواد ظریف تهیه کننده: حسن روحانی

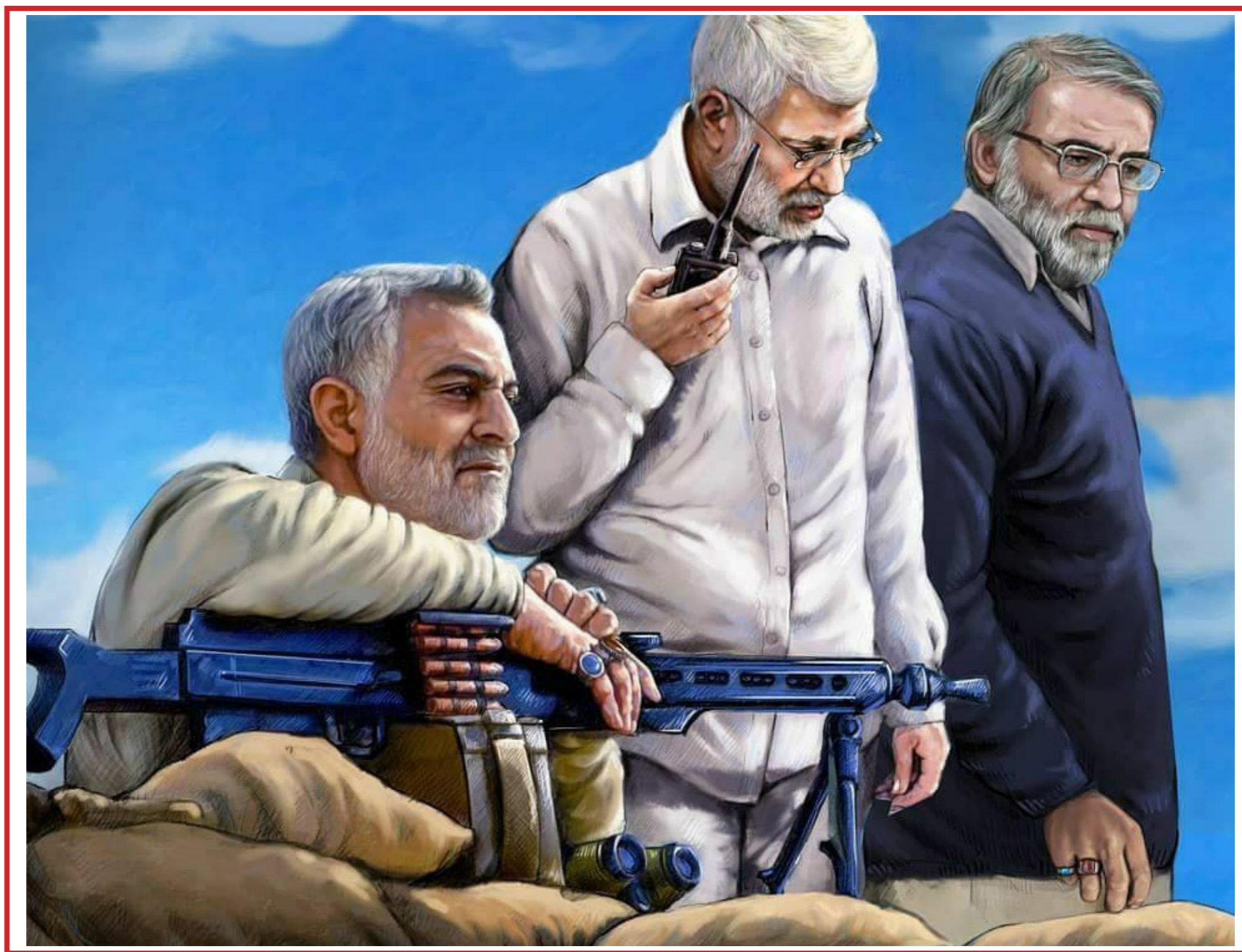


تا شرک و کفر هست مبارزه هست
و تا مبارزه هست ما هستیم
امام روح...

نشریه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی
صفیر دانشگاه رازی کرمانشاه
سال سوم، سری سوم، آذر ماه ۹۹

سایه مذاکره

امروز بعد از ترور شهید فخری زاده و قبل تر از آن، یعنی تقریباً یک سال قبل با ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، آن هم با آن وضع و با چند راکت که از یک پهپاد آمریکایی شلیک شد، یاد این قسمت از سخنرانی رئیس جمهور روحانی افتادم، که در ۱۴ فروردین سال ۱۳۹۶ گفت: «هدف از برجام این بود که سایه تهدید را از سر کشور برداریم...» و این سوال برایم پیش آمد که آیا سایه جنگ برداشته شده؟! یا اصلاً سایه جنگی بوده؟! اگر هم بوده مگر می شود با لبخند به کسی که سلاح هایش را به سمت تو نشان رفته، سایه جنگ را برداشت؟ الان این دومین ترور است که در یک سال گذشته و در دوران پسابرجام از طرف دشمن آمریکایی اسرائیلی انجام می شود که منجر به شهادت دو تن از عزیزان و عزت آفرینان ایران می شود. حال پس از این دو ترور که در دوران پسابرجام اتفاق می افتد، می بینم که این سران کشور، همه مسئولین، از رئیس مجلس آقای قالیباف که لفظ رئیس مجلس انقلابی را به دوش می کشد بگیر، تا رئیس جمهور و مدیران و معاونان دولتی که این خود فروختگان به غرب، سایه جنگ رانفهمیدند، با این که اغلب این آقایان، خود در جنگ بزرگ شدند و از داستان و قضایای قطنامه ۵۹۸ که منجر به جام زهر شد درس نمی گیرند و یا نمی فهمند یا خودشان را به نفهمی میزنند، که با مذاکره با جنتمن های تروریست و نشان دادن ضعف نه تنها نمی شود سایه جنگ را از بین برد، بلکه باعث تشدید و تیره شدن این سایه میشود. شما غرب پرستان و خودفروختگان به غرب نه تنها سایه جنگ را از بین نبردید، بلکه با ضعف نشان دادن هایی که نشأت گرفته از ضعف خودتان هست، آن را از تهدید لفظی به تهدید عملی تبدیل کردید. حال اگر قبلاً چنگ و دندان نشان می دادند، الان دندان ها و چنگال های خود را با این دو ترور، در قلب مردم فروکردند، اما با این که این تروریست های آمریکایی اسرائیلی دست نجسشان به خون پاک فرزندان این ملت آغشته است، عده ای قصد دست دوستی دادن و صلح کردن با آن ها را دارند. باشد که مسئولین بفهمند که درد مردم، خود این مسئولین بی درد هستند، نه مذاکره. ومن الله التوفیق
(محمد هادی ترکاشوند، ۹۸ مهندسی مکانیک)



پروتکل جاسوسی

اطلاعاتی که در سال های ۸۲ تا ۸۴ و سال های ۹۴ تا ۹۹، به دست جاسوسان مزبور رسید

تحقیر جمهوری اسلامی ایران شدند. همچنین آن ناظران و بازرسان جاسوس، به اطلاعاتی دست یافتند، که آن اطلاعات، کمک زیادی به سرویس جاسوسی موساد کرد، تا بتوانند دست به خرابکاری های زیادی در داخل کشورمان بزنند؛ مانند: ساخت ویروس استاکس نت برای نابودی تأسیسات اتمی، انفجار در سایت هسته ای نطنز، و ترور و به شهادت رساندن دانشمندان و نخبگان هسته ای کشورمان که ازین بین ترور شهدای بزرگوار علمحمدی، شهریاری، رضائی نژاد و احمدی روشن، نتیجه اطلاعاتی بود که جاسوسان سازمان ملل و آژانس در سال های ۸۲ تا ۸۴ به آن ها دست یافته بودند، و حداقل چهار بار ترور دانشمند برجسته و ممتاز هسته ای و دفاعی، شهید والامقام، محسن فخری زاده که حقیقتاً فخر ایران بود، نتیجه اطلاعاتی است که در سال های ۸۲ تا ۸۴ و سال های ۹۴ تا ۹۹، به دست آن جاسوسان مزبور رسید!!!!

حق آژانس بین المللی انرژی اتمی است و برخلاف بازرسی ویژه نیازی به تصویب شورای حکام ندارد. از سوی دیگر، آژانس در بازرسی های خود بر مبنای پیوند نامی پیوستی حق دارد به هر جایی که برای انجام وظایف خود



ضروری می داند، دسترسی پیدا کند!!!! یعنی تیم مذاکره کننده ایرانی در سال ۸۲ و ۹۴، با پذیرفتن این تعهد ننگین که، به آسانی و بدون هیچ دردسری، به ناظران و بازرسان سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی اجازه دادند تا هر موقع که دلشان خواست، بدون هیچ هماهنگی و اجازه قبلی، به جاسوسی، ببخشید، به بازرسی و تحقیق و مصاحبه از ساختمان ها و دانشمندان هسته ای ما بپردازند و باعث

((علی پرویزیان، ۹۸ مهندسی برق))

در مهرماه ۱۳۸۲ و در جریان حضور همزمان وزرای امور خارجه انگلیس، فرانسه و آلمان در تهران، (مذاکرات سعدآباد) تیم مذاکره کننده ایران به سرپرستی حسن روحانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی، در اقدامی که هدف آن «اعتمادسازی» با کشورهای اروپایی بود، تصمیم گرفت «به طور داوطلبانه» پروتکل الحاقی را امضا و اجرا کند و در نهایت، جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۷ به این پروتکل پیوست!!!! زمانی که تیم مذاکره کننده جدید به سرپرستی دکتر سعید جلیلی روی کار آمد، به اجرای این تعهد خاتمه داد. اما وقتی که دولت یازدهم بر سر کار آمد و تیم مذاکره کننده جدید، که تقریباً همان تیم مذاکره کننده سال ۸۲ بود، تشکیل شد، این بار ضمن امضای برجام، به صورت داوطلبانه و برای اثبات حسن نیت، هم پروتکل الحاقی را پذیرفتند، و هم تحریم های تسلیحاتی پنج ساله!!!! اما با پذیرفتن پروتکل الحاقی چه اتفاقی می افتد؟ بر پایه پروتکل الحاقی، بازرسی

عصر جمعه هفتم آذرماه سال ۹۹، در حالی که داشتیم در شبکه های مجازی چرخ میزدیم و اخبار را چک می کردیم، ناگهان یک خبر ناگوار تیتیر اول همه خبرگزاری ها شد که در آن، یکی از بزرگمردان دفاعی و پدر هسته ای کشور را در حوالی آبسرد دماوند از توابع استان تهران به دست ای اید کفر و استکبار ترور شد، این ترور باعث به شهادت رسیدن سردار حاج محسن فخری زاده شد. حال با اینکه بیش از یک هفته از آن اتفاق شوم می گذرد، اما تعدادی از تشکل های دانشجویی، اعم از انقلابی و غیر انقلابی، سر در آخور بیخیالی و بی غیرتی کرده که این رفتار تشکل ها، مرا به یاد کلام شهید بهشتی می اندازد، که این شهید والامقام در آن زمان، حال الان تشکل های دانشجویی را توضیح داد که می فرمایند: «وای به حال جامعه ای که گروه ممتازش تبدیل شود به گروه بی دردش» که این سخنان دارد حال و روز تشکل های دانشجویی ما را توصیف می کند. بله، وای به حال جامعه ای که تشکل های دانشجویی اش بی درد و بی دغدغه شود، می شود حال الان جامعه ما که از درد معیشت و مشکلات اقتصادی مردم بگیر، تا ترور دانشمندان و بزرگان نظامی ما که برای امنیت این کشور همه چیزشان را داده اند.

خاطرات قیام ۱۶ادی

نگاهی به روزهایی که رفتند

چند روزی از ترور ناجوانمردانه و شهادت حاج قاسم، این سرباز وطن، نگذشته بود، که بازگشت قهرمانانه این سردار عزیز به کشور و استقبال پرشور مردم از این سرباز اسلام، که همچون مولایش اربا اربا شد، تیتز اول اخبار ایران و جهان شد.

ما هم کوله پستی بستیم و عازم تهران شدیم، برای زیارت سربازی که در آغوش مولایش حسین(ع) افتاده بود و بوی ارباب را گرفته، و برای خداحافظی از سردار بزرگ اسلام، که طعم شیرین زیارت اربعین را به ما چشاند. از ماجرای پرزحمت و سنگ اندازی هایی که از طرف دانشگاه اتفاق افتاده بود که بگذریم، در طول مسیر، نگران بودیم که نکند به نمازی که رهبری بر پیکر پاک شهدا میخواند نرسیم، و اتفاقا از همان چیزی که



هراس داشتیم، سرمان آمد و در نزدیکی همدان، ا تو بو س ما ن خراب شد و با معطلی‌ای که از خرابی اتوبوس پیش آمده بود، به نماز نرسیدیم! آن لحظه

غم سنگینی بر دلم نشست، ولی بعدا خدا را شکر کردم که به موقع نرسیدیم، تا از نزدیک شاهد اشک های رهبر نباشم! اشک آغاز جنون است، تماشا سخت است... دیدن حزن علی در غم زهرا، سخت است... آن زمان بود که معنای خیلی از چیزها را فهمیدم؛معنای تنهایی حضرت آقا را در آن همه ازدحام و شلوغی...معنای مرگ بر آمریکا را، جمله ای که هیچ وقت، آن را اینقدر واقعی ندیده بودم... معنای جنون را...معنای خیانت و خنجر از پشت را...از اینکه نمی توانستم کاری برای بی کسی آقایمان انجام بدهم دلم شکست و از درون به ویرانی رسیده بودم به هر زحمت و مشقتی بود، خودمان را به

((محمد شکرى مقدم،۹۸ارشد برق))

از افرادی که داشت همراه جمعیت میرفت خیلی آتشم زد، به طوری که تا چند دقیقه در فکر بودم. جمله ای که روی پلاکارد نوشته شده بود این بود: ((انتقام نظامی با سپاه و ارتش، تو میخواهی چکار کنی؟))دیگر نزدیکی‌های نماز مغرب بود و آن جمعیت میلیونی، کم کم داشتند میرفتند و ما هم به طرف اتوبوس می رفتیم تا به دانشگاه برگردیم. اما این سفر باعث شد در مسیری که قدم گذاشته‌ام، مصمم تر بشوم وسط معرکه غوغاست، جنون میرقصم... مالک انگار که در برکه خون، میرقصم...

قیام تهران رساندیم و من هم شدم یک نفر از میلیون‌ها دلسوخته‌ای که از راه های دور و نزدیک، خود را برای آخرین وداع با سردار مقاومت، به تهران رسانده بودند. قرار بود از میدان آزادی به سمت دانشگاه تهران برویم، اما طی کردن این مسیر نه چندان طولانی، حدود دو سه ساعت طول کشید و بالاخره با عبور کردن از چندین میلیون مشکی پوش و عبور از هیئات و مواکبی که هر کدام در حال و هوای خود بودند به پیکر شهدا رسیدیم. همه سعی داشتند برای آخرین بار، سردار را که نه، بلکه جسم تکه‌تکه‌ی سردار را زیارت کنند. ما هم این قصد را داشتیم، ولی به دلیل ازدحام جمعیت، تا نزدیکی خودروی حامل پیکر شهدا، بیشتر نتوانستیم پیش برویم. بعد از عبور پیکر شهدا، از فرط خستگی ایجاد شده به

دلیل مسير طولانی و ازدحام زیاد، در گوشه‌ای از خیابان نشستم. در طول این مسیر، خیلی از اشعار و پلاکاردهایی که مردم عزادار در دستشان داشتند دیدم، اما پلاکارد یکی

نشریه دانشجویی صفر

صاحب امتیاز، مدیرمسئول، سردبیر: محمد هادی ترکاشوند

صفحه آرا: سعید صفری حاجت آقائی

پل ارتباطی در پیام رسان واتساپ:۰۹۰۵۸۰۳۱۴۰۵

همکاران این شماره:

محمد حجتی

علی پرویزیان

آذر ماه سال ۱۳۹۹، شماره ۳

بیانیه بسیج دانشجویی

ما بسیجیان دانشجویی دانشگاه های کشور ضمن عرض تسلیت به ملت و جامعه نخبگانی کشور...

شهادت دانشمند محسن فخری زاده و همچنین ترور های اقتصادی علیه ملت ایران عناد و دشمنی خود را افزون تر کردند. اما در مقابل، دولت مردان ما به راحتی گوش جان به دستورات چنین دشمنانی سپرده و با بستن صنعت هسته ای کشور و توافق جهت حضور بازرسان آژانس هسته ای در مراکز مهم و حساس کشور در به وقوع پیوستن این جنایات و ترور شخصیت های علمی و برجسته کشورمان کمک های شایانی را به دول غربی اهدا نمودند.

اگر دولت مردان ما در باب سیاست امور خارجه و توجه به ظرفیت های داخلی کشور و نظامیان ما بعد از شهادت حاج قاسم به امر انتقام سخت، جدی تر و دقیق تر وارد میشدند، هیچگاه چنین گستاخی هایی را از سوی دول غربی شاهد نبودیم. قطع به یقین ضعف، تنها بسنده کردن به حرف و نبود عمل و دقت در کارها کشور را در موضع ضعف قرار داده و وقوع چنین جنایت هایی از سوی دشمنان این مرز و بوم را رقم زده است. ما بسیجیان دانشجویی دانشگاه های کشور ضمن عرض تسلیت به ملت و جامعه نخبگانی کشور به مناسبت شهادت یکی دیگر از شخصیت های برجسته و ارزشمند نظام شهید دانشمند محسن فخری زاده از دولت، قوه قضاییه و مقامات نظامی کشور خواهان اجرای هرچه سریع تر موارد زیر هستیم:

- ۱.دستگیری عوامل ترور شهید محسن فخری زاده
- ۲.عملی کردن عهد بر زمین مانده

بسم الله الرحمن الرحيم
وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (آیه ۱۵۴ بقره)

چند وقتی است با پیروز شدن دموکرات ها در انتخابات پرحرف و حدیث آمریکا از داخل کشورمان پالس و سیگنال های مذاکره مجدد به گوش میرسد و این در حالی است که تجربه های متعدد مذاکرات در کشور همچون مذاکرات سعد آباد، مذاکرات ۱+۵ که در نهایت منجر به معاهده ننگین برجام گردید به خوبی بدعهدی های دولت های غربی را نمایان کرده است.

بسی جای تعجب است که دولت مردان جمهوری اسلامی که خودشان روزگاری در خط مبارزه با استکبار بوده و به خوبی خط و مشی دولت های غربی را میدانند امروزه دم از مذاکره و دوستی با همان ها میزنند و گویا کراوات و بوی خوش غربی ها مسئولین را مدهوش خود کرده است. دولت مردان امروز ما بدانند که ملت ایران هرگز فراموش نخواهند کرد که تمام مشکلات حتی آب خوردن مردم را هم به تعهد نامه ننگین برجام و به گل نشاندن صنعت هسته ای کشور گره زده و برداشتن سایه جنگ از کشور را در گرو این تعهدنامه بیان کردید.

و حال بعد از گذشت تقریبا ۸ سال از عمر دولتتان نه تنها سایه جنگ برداشته نشد بلکه دولت های غربی از جمله آمریکا و رژیم منحوس صهیونیستی با ترور شخصیت های برجسته کشورمان از جمله شهید حاج قاسم سلیمانی و

فرصت سوزی در اوج بحران

فقدان قاطعیت

در هفته های اخیر شاهد تصویب طرحی از سوی مجلس شورای اسلامی در پاسخ متقابل به ترور شهید دانشمند محسن فخری زاده بودیم. طرحی که به دنبال خود حواشی متعددی را ایجاد نمود و تحلیل های گوناگونی از این طرح مخابره شد. طرحی که مجلس شورای اسلامی از آن به عنوان اقدام راهبردی لغو تحریم های نام برده و آن را پاسخی قاطع به ترور شهید فخری زاده میدانند طرحی تازه

نبوده و در اصل همان رویکردی است که دولت در کاهشی تعهدات هسته ای از قبل دنبال کرده است و مجلس نیز در پاسخ به مکانیسم ماشه که چندی پیش مطرح بود یک فوریت آن را به تصویب رساند و اکنون همان طرح را به دو فوریتی تبدیل کرده است

جهت بررسی جدی این طرح. اما نکته ای که در این طرح بدان بی توجهی شده است لغو بازرسی ها و نظارت های بازرسان آژانس بین المللی از مراکز مهم و حیاتی کشور میباشد که به آینده ای نامعلوم موکول شده است، آینده ای که رخداد آن بر اساس برنامه آمریکا جهت مهار و محدود کردن ایران و برنامه هسته ای آن بعید به نظر میرسد. اما گویا مجلس با به تعویق انداختن این بند از قانون تصویب شده اش به دو ماه بعد از تصویب طرح اقدام راهبردی لغو تحریم ها همچنان دلخوش به مذاکره و چراغ سبز نشان دادن بایند به ایران جهت بازگشت دوباره به میز مذاکره است موضوعی که بارها توسط مقام معظم رهبری نسبت به مذاکره مجدد با آمریکا تذکر داده شده اما مجلس و دولت گویا گوش هایشان را به روی این تذکرات پوشانده اند. در جریان شهادت شهید فخری زاده و اتفاقاتی که در ماه های اخیر در



سایت های هسته ای نظنز اتفاق افتاد نشان میدهد که جنبه امنیتی مراکز هسته ای دچار حفره ها و خلاهایی شده است که نهاد های امنیتی باید به جد پیگیری این موضوع باشند. اما به یقین میتوان گفت که یکی از خلا های جدی که در جنبه امنیتی مراکز هسته ای بدان روبرو هستیم همکاری بی سابقه ی ایران با بازرسان آژانس بین المللی است که قطع به یقین منجر به در دسترس قرار گرفتن اطلاعات مهم و حیاتی مسائل هسته ای

کشور به سرویس های غربی میشود که در اثبات این مدعا میتوان به شواهد متعدد دسترسی داشتن اندیشکده های غربی به گزارش های محرمانه آژانس هسته ای اشاره نمود. در جنبه دیگر ترور شهید فخری زاده میتوان علت رخداد چنین حادثه ای را عدم واکنش قاطع ایران در جریان مکانیسم ماشه و قرار گرفتن کشور

در موضع ضعف بیان نمود و چنین امری منجر به گستاخی مجدد غربی ها در ترور یکی دیگر از شخصیت های برجسته کشورمان گردید. با توجه به چنین اتفاقاتی چیزی که از مجلس دوازدهم انتظار میروند در اولویت طرح مصوب خود به وادی عمل برسانند قطع هرچه سریعتر همکاری با آژانس بین المللی و اخراج بازرسان آژانس از کشور میباشد از طرفی کاهش تعهدات جمهوری اسلامی در برجام نیز بایست به جد دنبال شود. از طرفی نشان دادن صبر و دلخوش بودن به چراغ سبز اروپایی ها و بایند به مذاکره مجدد توسط دولت و مجلس ایران را همچنان در موضع ضعف قرار داده و در صورت چنین عملی نتنها سایه جنگ از کشور برداشته نخواهد شد بلکه بایست شاهد ترورها و حوادث ناخوشایند دیگری در آینده باشیم.

((میثم خوش نانی، ۹۷ علوم دامی))

تو زاده فخری

در وصف شهید فخری زاده

کشتند تو را ، آه، در آغوش دماوند
سخت است در آغوش پدر، کشتن فرزند
کشتند تو را ای دژ مستحکم ایران
تا باز بر این خاک عزا دیده بتازند
تو روح دماوندی و زین‌روست تو را کشت
ضحاکِ کمین‌کرده در کوه دماوند
تو زاده فخری و یقین فخر فروشد
ایران به تو و عشق تو، بر نام تو سوگند
داغ تو گران است، ولی گریه از آن است:
با قاتل تو از چه نشستیم به لبخند؟
با قاتل تو از چه نشستیم و نکشتیم
او را که دگرباره رها کرده سر از بند
ای داغ تو یادآور داغ همه خوبان
وی خون تو آمیخته با خون خداوند
آه ای گل گم‌نام! سرتاجم شهادت
عطر تو در این دشت سیه‌پوش پراکند
ما زنده به عشقیم، اگرچند حسودان
گویند چنینیم و چنانیم به‌ترفند
بگذار بمیریم و بمیریم و بمیریم
بگذار بگویند و بگویند و بگویند
آنگاه ببین روید از این ریشه خونین
صد ساقه سرزنده و صد شاخ برومند
ایران من! امروز تو را صبر روا نیست
این واژدگی تاکی و این حوصله تا چند؟
برخیز و ببین دخترکان تو جو یاقوت
زین خون مقدس به گلو بسته گلویند
برخیز و ببین رزم‌کنان تو صفاص
خنجر به کمر بسته و بر سر زده سربزند
من بغض تیمانم و هم گرز دلبران
بگذار مرا بر سر ضحاک بکوبند!

حسن صنوبری

تشکل سبب زمینی پرور

تشکل آدم پرور

تشکل هایی که در بدنه و آرمان خود به دنبال این اهداف و تربیت نیروهای مخلص و متعهد به کشور بوده و دغدغه واقعی کشور و مردم را دارند بیش از پیش نقششان نمایان تر شده و بایست برای شکوفایی استعداد دانشجویان و تربیت آنان در جهت دغدغه مند بودن در مسائل کشور تلاشی مضاعف نمایند. متأسفانه در میان تشکل های دانشجویی هستند تشکل هایی که ذره ای از دغدغه کشور و مردم را نداشته و آرمان های پوچ و بی حاصل خود مورد صرف کرده و استعداد دانشجویانی را که بی در بدنه خود دارند به یغما برده و از دانشجویی شخصیتی را میسازند که تنها جهت اثبات صحبت های خود ابزاری جز پرخاش و آشوب نداشته و از منطق صحیح بی حاصل اند. چنین تشکل هایی که تنها به دنبال اهداف و بازی های سیاسی خود بوده و تلاششان در جهت این است که گاهی چپ و گاهی راستی ها را به جای اصلاح های جامعه به خورد مردم بدهند ذره ای به دنبال تربیت و رشد نیروهای خود نمی باشند. تشکل ها بایست بسترهای لازم جهت رشد صحیح استعداد های اعضای خود را فراهم نموده و در کنار یک فضای منطقی و صحیح و همچنین یک فضای دارای صمیمیت و معنویت افراد مجموعه خود را جهت نقش آفرینی در جامعه و تلاش جهت حل مشکلات مردم تربیت نمایند. وجود چنین تشکل هایی در ایجاد تحول در جامعه مجددا احیا نماید. تشکل هایی که در میدان های عملی جامعه حضور فعال داشته و صرفا با حرف و نالیدن از مشکلات ادعای دغدغه جامعه را ندارند.

((محمد حجتی، ۹۶ گیاه پزشکی))